

بررسی تطبیقی دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی و دیدگاه سید مرتضی درباره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

دادرو، علی^۱

چکیده

در عصر سید مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۶ هـ ق) یکی از مهم‌ترین مجادلات کلامی بین امامیه و معتزله در بین علما جریان داشت. از دیدگاه سید مرتضی وجود امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشريف و امام غائب لطف خداوند متعال است و امامیه معتقد است که خداوند از باب لطف هیچ‌گاه انسان‌ها را در روی زمین بدون حجت رها نمی‌کند و به همین علت امام دوازدهم را غائب از نظرها می‌دانند. این در حالی است که شیعیان به وجود ذاتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز اعتقاد دارند. اما از نگاه معتزله و در صدر آنان قاضی عبدالجبار، لطف بودن امام مشروط به این است که امام در میان مردم حضور داشته و دسترسی به او امکان‌پذیر باشد. بنابراین در عصر غیبت، لطف بودن امام عجل الله تعالی فرجه الشريف در حق مکلفان، تحقق نخواهد پذیرفت. در این صورت انجام دادن لطف بر خداوند، واجب نیست. بنابراین اعتقاد به غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشريف با لطف بودن امامت، سازگاری ندارد؛ یعنی لازمه آن این است که ایجاد امام از طرف خداوند، واجب نباشد و این مؤلفه، برخلاف اعتقاد امامیه در مورد وجوب امام در هر زمان است. ما در این نوشتار در تشریح افکار سید مرتضی و نقد دیدگاه‌های قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد مسأله غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف خواهیم پرداخت و با تبیین بخش‌هایی از نظریات آن‌ها و مناقشاتی که با معتزلیان دارد به بررسی تطبیقی بررسی اشکالات قاضی در مورد اصل غیبت امام و فلسفه آن به تفصیل سخن خواهیم گفت.

واژگان کلیدی: غیبت، مهدویت، سید مرتضی، عبدالجبار، معتزلی، امامیه.

مقدمه

روایات زیادی درباره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده است. برخی از آن‌ها، درباره وقوع غیبت است، چنان‌که فرموده‌اند: «قائم ما را غیبتی است بس طولانی است»^۱ و دسته‌ای از آن‌ها، طولانی بودن مدت آن را مطرح کرده‌اند.^۲ همچنین در برخی از روایات، برای غیبت، حکمت‌ها و فوایدی مطرح شده است، هر چند علت آن ظاهراً بیان نشده است، اما در برخی روایات آمده: «ما، مأذون نیستیم علت آن را بیان نماییم».^۳ بدین ترتیب معلوم می‌شود علت حکیمانه‌ای برای غیبت وجود دارد؛ چراکه خداوند حکیم، کار عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد، هر چند در روایات به آن تصریح نشده باشد. در دسته‌ای از روایات نیز شرایط و اوضاع پیش از ظهور مطرح شده است. یکی از بحث‌های مهم در موضوع مهدویت، بحث غیبت است. عالمان متقدم شیعه چون کلینی، شیخ صدوق، نعمانی، شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی درباره موضوع غیبت امام تألیفات مهمی را به رشته تحریر درآورده‌اند. در این میان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه با مهم‌ترین دلیل عقلی یعنی لزوم وجود امام و قاعده لطف سازگار ندانسته و آن را نقد کرده است. در این نوشتار دیدگاه‌های قاضی عبدالجبار و سید مرتضی درباره غیبت امام زمان Φ بررسی شده است.

۱. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ ج ۵۲، ص ۹۰، ح ۳.

۲. همان؛ ح ۴.

۳. همان.

مفهوم‌شناسی غیبت

غیبت، اسم مصدر از ماده (غ ی ب) و به معنای ناپدید شدن از دیدگان است. غایب به کسی گفته می‌شود که حاضر و ظاهر نیست.^۱ این واژه در اصل، درباره پنهان شدن خورشید، ماه و ستارگان به کار می‌رود، همچنین درباره کسی به کار می‌رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن، از دیدگان رفته و دیگر دیده نمی‌شود.^۲ باور به غیبت امام دوازده عجل الله تعالی فرجه از عقاید اختصاصی شیعیان است. در اعتقاد امامیه غیبت به زندگی پنهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه امام دوازدهم شیعه گفته می‌شود.^۳ به باور شیعیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به امر خدا تا زمان ظهور که زمان آن مشخص نیست، در غیبت به سر می‌برد.^۴ همچنین به باور آنها، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در دوران غیبت صغری از طریق افرادی با شیعیان در ارتباط بود که از جمله آنها نواب اربعه بودند. اما در دوران غیبت کبری ارتباط ظاهری امام عجل الله تعالی فرجه با مردم قطع گردیده و شیعیان برای امور دینی باید به راویان حدیث و عالمان شیعه مراجعه کنند.

مفهوم قاعده لصف

یکی از مهم‌ترین مبانی و اصول کلامی امامیه، قاعده لطف است؛ قاعده لطف به معنای لزوم انجام کاری از سوی خداست، که به سبب آن، مکلف به اطاعت نزدیک و از گناه دور می‌شود؛ بی‌آن‌که این لطف، تأثیری در قدرت مکلف داشته باشد و یا او را مجبور بسازد. لطف چیزی است که مکلف را برای انجام

۱. طریحی، فخرالدین؛ *مجمع البحرین*؛ ج ۳، ص ۳۴۵. ابن منظور؛ *لسان العرب*؛ ج ۱، ص ۶۵۴. زبیدی، مرتضی؛ *تاج العروس*؛ ج ۳، ص ۴۹۸.

۲. عسکری، ابوهلال؛ *لفروق اللغویه*؛ ص ۶۳.

۳. طوسی، محمد بن حسن؛ *الغیبه*؛ ص ۶۱.

۴. مفید، محمد بن نعمان؛ *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*؛ ج ۲، ص ۳۴۰.

واجب، بر می‌انگیزد و از قبیح دورش می‌کند.^۱ بیشتر متکلمان امامیه این قاعده را پذیرفته‌اند. متکلمان شیعه از این قاعده در اثبات عقلی بسیاری از اعتقادات اسلامی مانند لزوم وجود وحی، لزوم ارسال پیامبران، لزوم نصب امام و غیره بهره برده‌اند. قاعده لطف به این معنا است که هر کاری که به نزدیک شدن انسان‌ها به اطاعت و یا دور شدن آنها از گناه بینجامد، انجام آن کار بر خداوند لازم است و خدا حتماً آن کار را انجام می‌دهد؛^۲ مانند تشریح تکالیف دینی و ارسال پیامبران که انسان‌ها از این راه به اطاعت خدا و نائل شدن به سعادت حقیقی نزدیک می‌شوند.^۳ در کلام اسلامی لطیف بودن از صفات فعل خدا^۴ و به معنای انجام دادن کاری است که به وسیله آن، مکلف به اطاعت نزدیک و از گناه دور می‌شود؛ بی‌آن‌که این لطف، تأثیری در قدرت مکلف داشته باشد یا او را مجبور سازد.^۵ البته در آیات قرآن و روایات، لطیف بودن خدا به معانی دیگری هم به کار رفته است؛^۶ از جمله علم نافذ خدا،^۷ نامحسوس بودن و نفی جسمانیت از خدا،^۸ درک ناشدنی بودن کُنه خدا،^۹ ظرافت در آفرینش و تدبیر الهی،^{۱۰} احسان و جود.^{۱۱}

از دیدگاه متکلمان شیعه، لطف به دو گونه تقسیم می‌شود:

الف) لطف محصل؛

۱. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیین*؛ ج ۶، ص ۱۹۹.
۲. ربانی گلپایگانی، علی؛ *القواعد الکلامیه*؛ صص ۱۰۴-۱۰۵.
۳. همان؛ صص ۱۱۴-۱۱۶.
۴. همان؛ صص ۱۲۰-۱۲۴.
۵. علامه حلی، *مناهج الیقین*، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸۷.
۶. ربانی گلپایگانی، علی؛ *القواعد الکلامیه*؛ صص ۱۲۴-۱۲۰.
۷. سوره مبارکه ملک؛ آیه ۱۴.
۸. سوره مبارکه انعام؛ آیه ۱۰۳.
۹. دعای جوشن کبیر؛ فقره ۳۱.
۱۰. همان؛ فقره ۳۴.
۱۱. سوره مبارکه شوری؛ آیه ۱۹.



ب) لطف مقرب.

لطف محصل کاری است که لزوماً باید انجام شود تا بندگی و اطاعت خدا حاصل گردد؛ یعنی بدون آن، انسان نمی‌تواند خدا را بندگی کند؛ اما لطف مقرب تنها، سبب تقرب و نزدیکی به اطاعت و بندگی است.^۱ اما در پذیرش قاعده لطف اختلافاتی بین متکلمان مسلمان وجود دارد. امامیه با استناد به ادله عقلی و نقلی، به قاعده لطف معتقدند، اما معتزله با این قاعده مخالف‌اند، و معتقدند که بر خداوند لازم نیست هر لطفی را انجام دهد.^۲ دلیل عقلی قاعده لطف ریشه در صفت حکیم بودن خدا دارد و این که حکیم نقض غرض نمی‌کند؛ یعنی کاری انجام نمی‌دهد که با هدفش منافات داشته باشد. بنابراین اگر از انسان بخواهد که او را اطاعت کند، زمینه اطاعت او را هم فراهم می‌کند. استدلال امامیه به شرح زیر است: خدا حکیم است. حکیم نقض غرض نمی‌کند. خدا اراده کرده است که انسان‌ها از او اطاعت کنند. اطاعت انسان‌ها از خدا بدون لطف ممکن نیست. تکلیف‌دادن به انسان‌ها بدون لطف نقض غرض است. بنابراین لطف بر خدا واجب است.^۳

اما معتزله می‌گویند: از این سخن که لطف بر خدا واجب است، لازم می‌آید که عقل بر خدا حاکم باشد؛ حال آن‌که خدا حاکم مطلق است.^۴ پاسخ طرف‌داران قاعده لطف این است که منظور از لزوم انجام لطف، مکلف ساختن خداوند به انجام لطف نیست؛ بلکه آن است که عقل انسان با در نظر گرفتن صفات خدا از جمله علم و حکمت و عدالت او، ضرورت انجام لطف از سوی خداوند را درک می‌کند.^۵

۱. سید مرتضی؛ *الذخیره فی علم الکلام*؛ ص ۱۸۶.

۲. ربانی گلپایگانی، علی؛ *القواعد الکلامیه*؛ صص ۱۰۴-۱۰۵. فخرالدین رازی؛ *مفاتیح الغیب*؛ ج ۲۳، ص ۳۴۸.

۳. همان؛ ص ۱۰۶.

۴. همان؛ ص ۱۱۰.

۵. طوسی، محمد بن حسن؛ *نقد المحصل*؛ ص ۳۰۲.



فلسفه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

به باور بسیاری از اندیشمندان امامیه، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه جز محفوظات الهی است و در برخی روایات غیبت امام، از اسرار خدا دانسته شده که پس از ظهور نمایان خواهد شد.^۱ با این حال در روایات دلایلی برای غیبت امام ذکر شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: حفاظت جان امام زمان عجل الله تعالی فرجه.^۲ آزمایش مردم^۳ در روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است که خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می‌کند.^۴ بنا بر برخی از احادیث آزمایش در روزگار غیبت از سخت‌ترین آزمایش‌های الهی است و این سختی و طولانی شدن غیبت باعث شک و تردید مردم می‌شود تا جایی که گروهی از مردم در اصل تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه شک می‌کنند.^۵ همچنین سختی‌های دوران غیبت باعث می‌شود که حفظ ایمان و استواری در دین، سخت شود و این دوران امتحان سختی برای ایمان مردم خواهد بود.^۶ لازم به ذکر است که یکی دیگر از علت‌های غیبت مسأله مهم بیعت با خلفای جور است که غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه باعث شد که امام در بیعت هیچ خلیفه و حاکم ستمگری نباشد. در روایات آمده است که او (امام زمان) مأمور به تقیه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت سلطنت هیچ ستمگری در نخواهد آمد. مورد دیگر به سختی افتادن مردم^۷ و تلاش آنها برای دریافت احکام الهی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت و تشکیل حکومت جهانی آن حضرت می‌باشد.

۱۰۶

۱. همو: *الغیبه*؛ ص ۳۳۴.

۲. همان؛ ص ۳۳۹.

۳. همان؛ ص ۲۰۴.

۴. همان؛ صص ۲۰۷-۲۰۳.

۵. همان؛ ص ۲۰۲.

۶. همان؛ ص ۲۹۲.

۷. سلیمیان، *درسنامه مهدویت*، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۱.

مسأله غیبت در دوران گذشته درباره برخی از پیامبران وجود داشته است^۱ براساس آیات قرآن، تعدادی از پیامبران، مانند صالح، یونس^۲، موسی^۳، عیسی و حضرت خضر علیه السلام به دلایلی نظیر امتحان امت خود، از انظار مردم پنهان شدند. در برخی از روایات از غیبت پیامبران به عنوان سنتی الهی یاد شده که در میان امت‌ها جریان داشته است.^۴ افزون بر حکمت‌هایی که در غیبت به‌عنوان یکی از سنت‌های الهی وجود دارد، مردم نیز در بروز غیبت امام زمان بی‌تأثیر نبوده‌اند.^۵

دیدگاه عبدالجبار معتزلی درباره غیبت امام

مهم‌ترین اشکالی که از سوی قاضی عبدالجبار معتزلی درباره غیبت امام مطرح شده مربوط به قاعده لطف است که شیعیان آن را قبول دارند، اما ایشان آن را قبول ندارد. از نظر قاضی عبدالجبار غائب بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه با قاعده لطف که دلیل عقلی شیعه بر وجوب وجود امام است سازگاری ندارد. قاضی عبدالجبار در تعریف لطف چنین گفته است: لطف، عبارت است از آنچه انسان به سبب آن، فعل واجب را برمی‌گزیند و از فعل قبیح اجتناب می‌کند، یا به انجام واجب و ترک قبیح نزدیک‌تر می‌گردد. البته قاضی به‌طور کلی قاعده لطف را قبول ندارد و اصلاً وجوب امامت را عقلی نمی‌داند و در المغنی می‌گوید: مقتضای قاعده لطف جز این نیست که امامت واجب است. این قاعده، بر این مطلب دلالت ندارد که وجوب امامت، «وجوب علی الله» است. بلکه ممکن است «وجوب علی الناس» باشد، زیرا فاعل لطف، گاهی خداوند است؛ مانند مبعوث کردن پیامبران و گاهی

۱. سوره مبارکه انبیاء، آیه ۸۷.

۲. سوره مبارکه بقره، آیه ۵۱.

۳. صدوق؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۲۳.

۴. طوسی، محمد بن حسن؛ الغیبه؛ ج ۱، ص ۷.

۵. طوسی، نصیرالدین؛ تجرید الاعتقاد؛ ج ۱، ص ۲۲۱.



مکلفان‌اند؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر. پس چه مانعی دارد که لطف بودن امامت از قسم دوم باشد. بنابراین، بر اساس قاعده لطف، نمی‌توان نظریه شیعه را در باب امامت اثبات کرد.^۱ قاضی عبدالجبار معتزلی در کتاب شرح الاصول الخمسه قائل است که وجوب و لزوم امامت عقلی نیست، بلکه شرعی است و با اجماع مسلمانان ثابت شده است و ایشان قاعده لطف را صحیح نمی‌دانند و معتقد است که اولاً: لزوم حجت در هر زمانی لازم نیست و بعضی از زمان‌ها خالی از پیامبر هستند و لازم نیست که انبیاء حضور داشته باشند و فلسفه وجوب امامت، تنها اجرای حدود الهی نیست، بلکه اجرای همه احکام شرعی که به امامت بستگی دارد غایت و فلسفه امامت است.^۲ او هم‌چنین در جایی دیگر می‌گوید: همانا هدف و مقصود از وجود امام به جهت امور سمعی است، همانند اقامه حدود و تنفیذ احکام^۳ و امثال این دو. ثانیاً اینکه گفته شود در هر زمانی باید امامی باشد این با واقعیت سازگاری ندارد. درست است که شیعه تا زمان امام حسن عسگری فرد مشخصی را به عنوان امام می‌توانند معرفی کنند، ولی بعد از او نمی‌توانند کسی را به عنوان امام معرفی کنند و می‌گویند: امام غائب است و امام غائب یعنی نبودن امام. فرقی نمی‌کند بین نبودن و غائب بودن امام. یعنی امام وجود ندارد. اعتقاد به غیبت امام با لطف بودن امامت سازگاری ندارد؛ یعنی لازمه‌اش این است که ایجاد امام از طرف خداوند واجب نباشد و این، برخلاف اعتقاد امامیه در مورد وجوب امام در هر زمان است.^۴

۱. معتزلی، قاضی عبدالجبار؛ *المعنی*؛ ج ۱، ص ۲۶.

۲. همو؛ *شرح الاصول الخمسه*؛ ص ۵۰۹.

۳. همو؛ *المعنی*؛ ج ۱، ص ۳۹.

۴. علامه حلی؛ *کشف المراد* (مبحث امامت)؛ ص ۴۹۱.

دیدگاه‌های سید مرتضی درباره غیبت

مرحوم سید مرتضی به شبهه قاضی عبدالجبار توجه کرده و به آن پاسخ داده است که از نظر ایشان بین نبودن امام و غائب بودن امام فاصله زیادی است.^۱ گفتنی است که در حالات انبیاء علیهم السلام زمان‌هایی پدید آمده که از انظار غائب بوده‌اند؛ مثل غیبت چند روزه پیامبر و رفتن ایشان به غار حرا،^۲ همچنین در مورد دیگر غائب شدن سایر انبیاء علیهم السلام مثل حضرت یوسف علیه السلام و حضرت یونس علیه السلام که مدتی در شکم نهنگ بوده است.^۳ غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه اتفاق تازه‌ای نیست؛ یعنی در طول تاریخ، پیامبرانی بوده‌اند که به دلیل حفظ جان، آزمایش الهی و حکمت‌های دیگر، غیبت کرده و از دید مردم پنهان شده‌اند. یکی از حکمت‌های غیبت این پیامبران این است که مردم بدانند غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه اتفاق عجیبی نیست و اگر علت غیبت از بین برود، ظهور هم اتفاق می‌افتد. برجسته‌ترین همانندی میان یوسف زهرا علیها السلام و یوسف یعقوب علیهما السلام همانندی در غیبت است. امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم می‌فرماید: ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه با پنج تن از پیامبران شباهت دارد: یونس بن متی و یوسف بن یعقوب و موسی و

۱. طوسی، محمد بن حسن؛ *المقنع فی الغیبه*؛ ص ۲۱۳.

۲. درباره محل دقیق آن نک: *اخبار مکه*؛ ج ۲، ص ۲۸۸. *المعجم البلدان*؛ ج ۲، ص ۲۳۳. اکنون در محدوده شهر قرار گرفته است. غار حرا که حرا بر روی کوهی با همین نام است که در فاصله دو فرسنگی شهر مکه، در ناحیه‌ی شمال شرق آن قرار گرفته است. کوه طور در شمار برخی از کوه‌های مقدس یاد شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله مدتی از سال را در این غار به عبادت خداوند مشغول می‌شدند. این خلوت‌گزینی مقدمه‌ای برای بعثت و نزول قرآن بر آن حضرت به شمار می‌رفته است. گفته شده که نشستن پیامبر در غار حرا همراه با سه چیز بوده: یکی خلوت، دیگری تعبد و سوم نگاه به کعبه از فراز غار حرا.

۳. بلعمی؛ *تاریخ نامه طبری*؛ ج ۱، صص ۵۸۷-۵۸۵. مدت غیبت حضرت یونس از قومش چهار هفته بود. یک هفته هنگام رفتن به سمت دریا، یک هفته در شکم ماهی و یک هفته را در بیابان زیر سایه کدو و یک هفته را نیز صرف برگشت مجددش به شهر بود.

عیسی و محمد صلی الله علیه و آله.... اما شباهت او به یوسف در غیبت اوست از اقوام دور و نزدیک و از برادران خود.^۱

سید مرتضی در کتاب المقنع، بر دو اصل ضرورت امامت در همه اعصار و ضرورت عصمت امام صلی الله علیه و آله تأکید می‌کند و دلایلی برای آن می‌آورد. وی در آغاز بحث غیبت به آیات متشابه تمسک می‌کند و تأکید می‌نماید که باید راز غیبت را در حکمت الهی جست که به مواردی از آن در اول بحث اشاره شد. سید مرتضی در بیان علت غیبت می‌گوید: سبب غیبت، می‌تواند بیمی باشد که از ترس حکام جور بر جان امام می‌رود و همین امر نیز مانع تصرف ایشان در امور جامعه است. او در توضیح بیان خود می‌نویسد: وقتی از وجود امام صلی الله علیه و آله نفع برده می‌شود که امام از تمکن و اقتدار برخوردار باشد تا بتواند اعمال دستور کند و مسلط به تمام امور دینی و دنیوی مسلمانان و کلیه احکام حکومتی باشد که هیچ یک از این امور، جز با تمکن، ممکن نیست.

بنابراین، وقتی چیزی مانع این کار باشد، قیام از ایشان سلب می‌شود و به خاطر حفظ جان امام، غیبت برای او واجب می‌گردد. چون پرهیز از اموری که به انسان زیان می‌رسانند، عقلاً و نقلاً واجب است. در دیدگاه سید مرتضی؛ در طول غیبت نیاز به امام برطرف نمی‌شود، چون نیاز به امام معصوم، نیاز ثابتی است و دسترسی به دلایل شرعی و عقلی رسیده برطرف کننده این نیاز نیست. سید مرتضی درباره غیبت و مشکلات امام برای انجام وظایف امامت می‌نویسد: منتظران امام، هر چند ایشان را ندیده‌اند، اما در سایه اعتقاد به وجود ذاتی او، از انجام امور ناپسند، پرهیز می‌کنند. سید مرتضی امکان وجود جانشینان امام که در

۱. صدوق، محمد بن علی؛ کمال الدین و تمام النعمه؛ ج ۱، ص ۳۲۷.

حال غیبت، خود آنان را معین کرده باشد و از این راه از اوضاع مردمان با خبر گردد، نفی نمی‌کند و از این حیث فرقی میان غیبت و ظهور امام نمی‌بیند.^۱

مهمترین علل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه سید مرتضی

سید مرتضی برای مسأله غیبت امام دو فرض در نظر می‌گیرد:

الف) غیبت امام عجل الله تعالی فرجه برای دشمنان، چیزی جز ستمکاری و عزم آنان در از میان بردن امام عجل الله تعالی فرجه نیست و سبب پنهان شدن از اولیاء نیاز به برهان ندارد؛ زیرا فرض این است که وجود امام عجل الله تعالی فرجه برای همه مکلفان لطف است. سید مرتضی امکان ظاهر شدن امام عجل الله تعالی فرجه به برخی از اولیاء را نفی نمی‌کند و به دیگران سفارش می‌کند تا در رفع علت غیبت، تمکن یابند تا امام عجل الله تعالی فرجه برای آنان ظاهر گردد.^۲

ب) اگر علت پنهان شدن دشمنان باشند، این امر سبب اسقاط تکلیف از مکلفان نخواهد شد و اسقاط تکلیف واجب است.^۳ سید مرتضی مردم را به دلیل مهیا نکردن خود برای دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نکوهش می‌کند^۴ و عمل آنان را مانع اصلی در بهره‌گیری از لطف می‌داند: وجود امام، لطف است و تصرف او در امور لطف دیگر.^۵ سید مرتضی درباره تولد و مخفی بودن ولادت امام زمان می‌گوید: این امری غیر عادی نبوده و در ملل و امم دیگر نیز سابقه داشته است. شخصیتی که ایشان برای اثبات مدعای خود ذکر می‌کند، حضرت ابراهیم عجل الله تعالی فرجه است. بر اساس بیان قرآن کریم و نیز منابع تاریخی، ستاره‌شناسان به نمرود هشدار دادند که به زودی پسری ابراهیم‌نام، زاده خواهد شد و مردم را از دینشان

۱. سید مرتضی؛ *تذریه الانبیاء*؛ ص ۱۸۲، به نقل از مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۹۹.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *اصول الکافی*؛ ج ۲، ص ۱۶۷.

۳. طوسی، محمد بن حسن؛ *تخلیص شافی*؛ ج ۱ و ۲، صص ۹۰ و ۹۱.

۴. همان؛ ج ۱ و ۲، ص ۹۵.

۵. همو؛ *الغیبه*؛ ص ۱۱.

دور خواهد کرد و بت‌هایشان را خواهد شکست. از این‌رو نمرود برای پیش‌گیری از وقوع چنین مصیبتی برای خود و دیگر بت‌پرستان، فرمان داد تا همه نوزادان پسر آن سال را بکشند، اما مادر ابراهیم بارداری خویش را پنهان داشت و در غاری نزدیک شهر، دور از چشم مردم، فرزند خویش را به دنیا آورد.^۱

شخصیت دیگری که ولادتی مخفی داشت، حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بود. برخی از مخالفان امامیه در مدت و شیوه مخفی بودن امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام شبهه وارد کرده‌اند و آن را خلاف عرف و عادت دانسته‌اند. سید مرتضی در پاسخ به این اشکالات می‌گوید: مخالفان در بیان این شبهه دچار مبالغه شده‌اند و چنانکه پنداشته‌اند، امام از همگان مخفی نیست. علت آن هم وجود نواب اربعه پس از شهادت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام در زمان غیبت بوده است که وظیفه آنها دریافت دستورات امام و ابلاغ و نشر آنها در بین مسلمانان بوده است.



نتیجه گیری

قاعده لطف مهم ترین دلیل عقلی وجوب امامت در نزد شیعیان است هر چند معتزله نیز قاعده لطف را قبول دارند، اما از آن وجوب نصب امام را برای خدا نتیجه نمی گیرند. با این حال قاضی عبدالجبار معتقد است که غائب بودن امام شیعیان با دلالت قاعده لطفی که آنها ادعا می کنند، سازگاری ندارد و طبق این قاعده امام باید حاضر باشد و غیبت امام را با نبود امام مساوی می دانند که سید مرتضی در مواجهه با این مطلب غیبت امام را با نبود امام مساوی نمی پندارد که از نظر ایشان مسلمانان با غیبت امام عجل الله تعالی فرجه نیز از وجود ایشان بهرمنند و ایشان در اثبات این موضوع به غیبت برخی از انبیاء علیهم السلام اشاره کرده است.

منابع و مأخذ:

* قرآن کریم

۱. ابن منظور؛ لسان العرب؛ بیروت: دار بیروت؛ ۱۴۱۷ق.
۲. بلعمی، محمد بن محمد؛ تاریخ‌نامه طبری؛ تحقیق: محمد روشن، ج ۲، تهران: سروش، ۱۳۷۸.
۳. ربانی گلپایگانی، علی؛ القواعد الکلامیه؛ قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
۴. رضوانی، علی اصغر؛ گردآوری از کتاب: امام‌شناسی و پاسخ به شبهات؛ ج ۱، چ ۲، قم: انتشارات جمکران، [بی تا].
۵. رازی، فخرالدین؛ المحصل؛ مکتب دار التراث؛ چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۶. _____؛ مفاتیح‌الغیب؛ ج ۲۳؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۷. حلّی؛ حسن بن یوسف؛ کشف‌المراد (مبحث امامت)؛ قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۸.
۸. _____؛ مناهج‌الیقین؛ بیروت: ادارالاسوه، ۱۴۱۵ق.
۹. _____؛ کشف‌المراد؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۷ق.
۱۰. حمصی رازی؛ المنقذ من التقليد؛ ج ۲؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۱۱. سلیمیان، خدامراد؛ درس‌نامه مهدویت (حضرت مهدی و دوران غیبت)؛ قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۸.



۱۲. علم الهدی، سید مرتضی؛ المقنع فی الغیبه؛ قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام لإحیاء التراث، ۱۴۱۹ق.

۱۳. _____؛ الفصول المختاره من العیون و المحاسن؛ قم: المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید؛ ۱۴۱۳ق.

۱۴. _____؛ الذخیره فی علم الکلام؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ق.

۱۵. _____؛ تنزیه الانبیاء؛ به نقل از مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان علیه السلام

۱۶. صدوق، محمد بن علی؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمة؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، قم: مؤسسه آل‌البتیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن؛ الغیبه؛ تصحیح: عبادالله تهرانی و علی‌احمد ناصح؛ قم: دارالمعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.

۱۹. _____؛ تخلص شافی؛ ج ۱ و ۲؛ قم: انتشارات محبین، ۱۳۸۲.

۲۰. _____؛ التبیان؛ ج ۶، چ ۱، بیروت: دارالاحیاء تراث عربی، ۱۳۷۷.

۲۱. طوسی، نصیرالدین؛ تجرید الاعتقاد؛ ج ۱؛ بیروت: انتشارات تراث، ۱۳۱۱ش.

۲۲. طریحی، فخرالدین؛ مجمع‌البحرین؛ ج ۳، تهران: انتشارات هجران، ۱۳۶۲.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول الکافی؛ ج ۲، تهران: مؤسسه قائم آل محمد، ۱۳۸۵.
۲۴. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ ارشاد الطالبین؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ ج ۵۲، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۲۶. معتزلی، قاضی عبدالجبار؛ شرح الاصول الخمسه؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۷. _____؛ المغنی؛ ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۸. مفید، محمد بن نعمان؛ الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ قم: انتشارات محبین، ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.
۲۹. _____؛ الرسالة الرابعه فی الغیبه؛ مصنّفات شیخ؛ ج ۷؛ بغداد: انتشارات رها، ۱۴۳۰ش.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغیبه؛ تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۳۱. یاقوت حموی؛ المعجم البلدان؛ ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.